

اقسام قتل نفس

در فقه اسلامی سه قسم قتل پیش بینی شده و هر سه قسم آنها مورد تعریف و بررسی قرار گرفته است:

قتل عمد - قتل شبه عمد - قتل خطائی (۱)

در برخی از کتابهای حقوقی در بحث «قوانین کیفری» قتل عمد تعریف نشده و تنها بذکر مجازات آن اکتفا گردیده است مثلاً در قانون مجازات عمومی ایران ماده ۱۷۰ قانون کیفر همگانی میگوید: «مجازات مرتکب قتل عمد اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثناء شده باشد.»
و حال آنکه حق این بود که در مرحله اول اصطلاح قضائی قتل عمد تعریف میشد و سپس مجازات آن تعیین میگردد.

«پرفسور مارو» حقوقدان معروف فرانسوی قتل عمد را بدینگونه تعریف نموده است:

«قتل عمل عبارت است از سلب ارادی حیات انسانی بوسیله عمل شخص دیگر عدواناً و بدون مجوز قانونی...» (۲)

(۱) از عامه شافعی و ابوحنیفه نیز قتل را بر سه قسم دانسته ولی ممالک قتل را به دو گونه: عمد محض و خطاء محض دانسته و قتل شبه عمدی را از افراد عمد محض شمرده است.
(کتاب خلاف و کتب فقهی عامه)

(۲) مجله قانون و کلاء شماره ۳ اسفندماه ۱۳۴۳

در این تعریف برای تحقق جرم قتل عمد تنها به دو عنصر مادی و هدوانی آن اشاره شده است و عنصر معنوی که پیش از دو عنصر دیگر در صدق قتل عمد و تحقق آن در خارج مدخلیت دارد نادیده گرفته شده است، چه در صدق و تحقق قتل عمد، باید قاتل هم در عمل خود عمد داشته باشد و هم به نتیجه آن عمل (قتل) (۱).

بدین معنی که قاتل عمل را با قصد نتیجه آن انجام دهد، هم میزند و این زدن را از روی عمد و اراده انجام می‌دهد و هم نتیجه حاصله از زدن را که همان سلب حیات از مضروب باشد میخواهد.

پس در قتل عمد علم مرکب و تفصیلی وجود دارد، یعنی هم مقدمه قتل آگاهانه انجام می‌یابد و هم ذی‌المقدمه آگاهانه و با علم به نتیجه اراده شده و تحقق می‌پذیرد.

در تعریف پرفسور گارو نقص دیگری هم وجود دارد و آن اینست که در بیان عنصر مادی تنها یک فرد آنرا یاد آور شده است که عبارت باشد از وجود شخص زنده که از او سلب حیات می‌شود و حال آنکه رکن مادی قتل عمد دارای دو مصداق می‌باشد:

مصداق اول- همانست که در تعریف پرفسور مزبور آمده (سلب ارادی حیات انسانی)

و مصداق دوم عبارت است از مادی بودن عمل قاتل...

توضیح اینکه عنصر مادی قتل عمد شامل دو مورد است یکی بودن شخص زنده که به وسیله عمل عمدی و ارادی قاتل از او سلب حیات میگردد و دیگری عمل مادی قاتل که بوسیله آن انسان زنده‌ای از پای درمی‌آید.

بنا بر فرض اول بدیهی است که اگر شخصی بقصد ارتکاب قتل ضرباتی بر پیکر مرده‌ای وارد آورد و یا لاشه مرده‌ای را بگمان زنده بودن وی هدف گلوله قرار دهد، قتل عمد تحقق نمی‌پذیرد.

بنا بر فرض دوم و لزوم مادی بودن عمل قاتل از قبیل ایراد ضرب، قطع اعضاء و یا بکار بردن اسلحه و... که از نقطه نظر عرف و عادت افعالی مادی و مثبت هستند، در موارد صدمات روحی و ایجاد حالات و کیفیاتی که باعث مرگ می‌گردد باز قتل عمد مصداق نمی‌یابد. مثلاً کسی که بمادر پیری خیر مرگ یگانه پسر منحصر بفرشش را میدهد و موجب فوت ناگهانی آن پیرزن می‌شود بفرض اینکه با دادن این خبر قصد کشتن او را داشته باشد، بعلم مادی نبودن عمل ارتكابی مشمول تعریف قتل عمد نیست.

بنابر آنچه که بیان کردیم رساترین و بهترین تعریف برای قتل عمد همانست که فقهاء

ما برای آن ذکر نموده اند:

صاحب «شرایع الاسلام» قتل عمد را بدین نحو تعریف می کند :

«سلب حیات از انسان بی گناهی از روی عمد و عدوانا و بدون مجوز شرعی» (۱) ۴۰۰۰

و سپس درباره اصطلاح عمد و قصد چنین می گوید :

«و عمد بوسیله اراده انسان بالغ و عاقل به کشتن شخص دیگری با آلتی که معمولاً

قتاله هست، محقق میگردد» (۲) ۴۰۰۰

نکته جالب توجه اینکه در تعریف مزبور در تشخیص قتل عمد به قتاله بودن آلت جرم

توجه گردیده و در ملاک و مناط اجرای قصاص گفته شده است که آلت قتل غالباً کشنده باشد و

روی همین جهت است که اگر مرتکب قتل ارادی با وسیله ای که نادراً کشنده است اقدام به

آدمکشی کند، در مورد وجوب قصاص و عدم آن بین علماء اسلام اختلاف است هر چند قول مشهور

و صحیح وجوب قصاص می باشد (۳).

ملاک و مدرک فقهاء برای قید عمد در تحقق قتلی که موجب قصاص است، دلائل زیر

می باشد :

۱- پروردگار مجازات غیر قصاص را بر قتل خطئی و غیر عمدی قرار داده و میفرماید:

هر کس مؤمنی را اشتباهاً بکشد مجازات او این است که بنده مؤمنی را آزاد کند و به ولی

مقتول دیه و خونبها بپردازد (۴)

پس کیفر قصاص برای قتل نفس در صورتیست که از روی عمد و قصد انجام پذیرد .

۲- کشتن قاتل بمنوان کیفر و مجازات قتل نفس آخرین درجه و مرحله نهائی عقوبت

و مجازات مجرم است و کیفر نهائی بر جنایت کامل و تمام عیار مرتب خواهد بود و آخرین درجه

نهائی قتل نفس هم هنگامی تحقق میپذیرد که عمدی و ارادی باشد و در تأیید و توجیه این

مطلب یاد آور می شویم که کلمه «قتل» در کتاب و سنت معمولاً بطور مطلق و بدون قید ذکر شده

و قاعده اینست که اطلاق افعال و انتساب آنها با افراد منصرف به صورت عمداست .

۱- ان یکون عامداً فی فعله و قصده (شرایع کتاب الدیات صفحه ۳۸۱)

۲- و تحقق العمد بقصد البالغ العاقل الی القتل بما یقتل غالباً

(رجوع شود به کتاب قصاص شرایع الاسلام صفحه ۳۶۱)

۳- ولو قصد القتل نادراً فاتفق القتل فالاشبهه القصاص (شرایع الاسلام و کتاب القصاص،

صفحه ۳۶۱)

۴- و من قتل مؤمناً خطئاً فتحریر رقبة مؤمنة و دینه مسلمة الی اهله (سوره نساء آیه ۹۲)

عنصر عدوانی قتل

علاوه بر وجود عناصر وارکان مادی و معنوی در تحقق قتل نفسی که موجب قصاص است، عنصر دیگری بنام عنصر عدوانی هم باید وجود داشته باشد تا قتل عمد مورد و مصداق پیدا کند عنصر عدوانی عبارت از اینست که قاتل با داشتن سوء نیت و معرفت کامل از جنایتکارانه بودن عمل ارتكابی خویش مرتکب قتل بی گناه و مظلومی (۱) گردد. بنا بر این قتل‌هایی که شرعاً تجویز گردیده از قبیل دفاع از نفس و جلوگیری از کسی که در صدد هتك عرض و ناموس دیگری بر آید و برای دفاع در برابر شخصی که مترصد ربودن انسانی است، مشمول تعریف قتل عمد نخواهد بود.

قتل شبه عمد

در قتل شبه عمد مرتکب تنها در نفس عمل قصد دارد بدون اینکه عمدی در نتیجه آن عمل که قتل است، داشته باشد مانند کسی که بقصد تأدیب دیگری را بزند و به مرتکب مضروب منتهی گردد، در این صورت قاتل باید به اولیاء مقتول دیه و خونبها بپردازد (۲) البته مشروط بر اینکه آلتی که استعمال شده قتاله نباشد ولی اگر مثلاً با شمشیر که غالباً کشنده است کسی را بزند و منجر به قتل وی گردد بنا به عقیده بسیاری از فقهاء اسلامی در حکم قتل عمد است و مجازات اعدام در باره چنین ضارب جسور و بی باکی رواست.

قتل خطئی

در قتل خطئی مرتکب نه در عمل قصد دارد و نه در نتیجه حاصله از آن، مانند اینکه بسوی پرنده‌ای تیر اندازی میکند ولی بانسانی اصابت کرده و او را از پای دزمی آورد در این صورت هم باید با اولیاء مقتول خونبها بپردازد.

۱- و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطاناً، (سوره اسراء آیه ۳۳)

۲- وسائل الشیعه کتاب القصاص - شرایع الاسلام و کتاب القصاص، صفحه ۳۸۱۶